

جنگل، خانه من است!

«محمد باقر غفاری چلاوی»، محیط بان و پژوهشگر حیات وحش در باره ماجرای ویدئوی پر باز دیدش در فضای مجازی از گفت و گو با یک خرس می گوید

ZENDEGI - SALAM

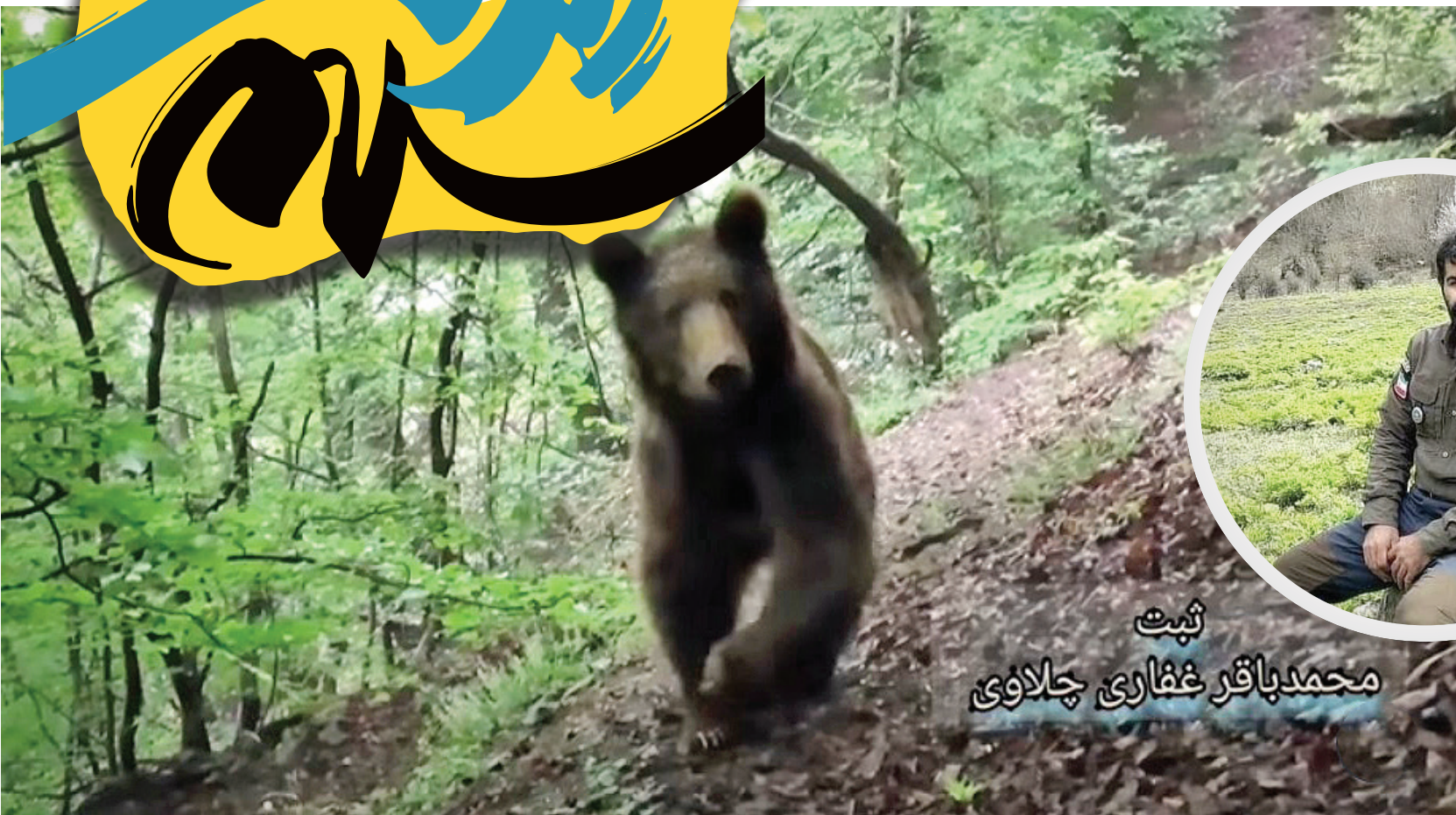
ضمیمه روزنامه خراسان

چهارشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۱

۹ شوال ۱۴۴۳ • ۱۱ می ۲۰۲۲

شماره ۲۰۹۳۳

۲۱۵۳



ثبت
محمدباقر غفاری چلاوی

اکرم انصاری | روزنامه نگار

پرونده

هوا مه آلود و بارانی است. خرس قهوه ای به سمت دور بین قدم برمی دارد. یک نفر بالهجه مازندرانی به خرس چند جمله می گوید که معنی اش این است: «کجا میای؟ مگه من نمی بینی؟» خرس برمی گردد و در میان شاخه و برگ در ختان جنگل گم می شود. این تمام

سناریوی اتفاق افتاده در یک ویدئوی ۱۱ ثانیه ای است که در چند روز گذشته توجه کاربران فضای مجازی را به خود جلب کرده است. اما این ویدئو توسط چه کسی و کجا ضبط شده است؟ «محمد باقر غفاری چلاوی»، ۴۲ ساله، اهل روستای چلاو آمل، کارگردان این ویدئوی واقعی است و ویدئوهایی از این دست در حساب اینستاگرامش کم ندارد. او صفحه مجازی اش را به تصاویر حیات وحش مازندران اختصاص داده است، از پژوهش های خود در این منطقه می نویسد و مردم را به حفظ و مراقبت از محیط زیست تشویق می کند. «طبیعت انگشتی است که حیات وحش نگین آن است»، شعار این همیار محیط زیست است که حالا بعد از یک دهه حضور او در جنگل برای حفظ و حراست از حیات وحش رنگ و واقعیت به خود گرفته است. دغدغه «غفاری» برای حفظ محیط زیست و حیات وحش او را به جنگل کشانده است تا با هزینه خودش به پایش منطقه و گشت زنی بپردازد تا حیات وحش و محیط زیست مازندران همچنان پاینده باشد. بومی ها به این کار قرق بانی می گویند. آقای «غفاری» معتقد است که از تباطؤ پدر بزرگ و مادر بزرگ دامداری با طبیعت و رفتار مهربانانه آن ها با حیوانات در آن چه امروز در او شکل گرفته، بسیار موثر بوده است. در پرونده امروز زندگی سلام با این پژوهشگر محیط زیست که سال ها ست زندگی اش را وقف جنگل و حیات وحش کرده است، گفت و گویی داشتیم که خواهید خواند.

هراس مردم از حیات وحش عجیب است

برای من که سال ها در این طبیعت بودم، نگاه و دلهره ای که مردم به حیات وحش و گونه های گوشت خوار دارند، عجیب است. شاید در طول یک دهه، یک اتفاق ناگوار در طبیعت از سمت این حیوانات بیفتد اما نمی شود آن را معیار کرد. در کل گونه های وحشی آن قدر که مردم از آن ها هراس دارند، ترسناک نیستند. حیوانات، انسان گریزند. آن ها حتی اگر بوی باروت را احساس نکنند و اسلحه و اسبیری نداشته باشید، باز هم از انسان فاصله می گیرند.

«محمد باقر غفاری چلاوی» ویدئوی پر باز دید گفت و گو با خرس را چند روز پیش هنگام پایش گرفته است. او در باره این ویدئو می گوید: «برای رسیدن به این مسیر جنگلی، سه یا چهار ساعت باید راه بروم. در حال سرکشی بودم و دو خرس در فاصله حدود هشت متری من داشتند راه می رفتند که دومی ایستاد اما اولی همچنان به راه خودش ادامه داد و به یکی، دو متری من نزدیک شد. من را دیده بود و به سمت من آمد. چند جمله به او گفتم و او هم برگشت.

وقتی زندگی ام را وقف طبیعت کردم، گفتم دیوانه شده!

هنوز در جنگل ماندگار هستم و حضورم باعث شده اتفاقاتی بیفتد که به نفع محیط زیست و حیات وحش است، نگاه ها عوض شد. بعد از آن طرح تهیه کردیم ولی آن قدر نبود که از نظر مالی من را تامین کند. سال اول به من ماهی ۸۰۰ تومان می دادند و در سال های بعد این کمک هزینه بیشتر شد. مردم سازمان های مردم نهاد به من لطف داشتند. جوانان کوهنورد که دغدغه محیط زیستی داشتند خیلی کمک کردند. یکی کفش داد، یکی جوراب داد و یکی پیراهن. این طور شد که ماندیم. الان هنوز از نظر مالی تامین نیستیم ولی همچنان در عرصه عمل هستیم و برای محافظت از محیط زیست از هیچ تلاشی کم نمی گذارم.»

با صدای زنگ انقراض، آستین بالا زدیم

پوش و انجمن «نجات مرال ها» یکی از کارهایی است که غفاری به همراه برادرش پیر طاهر و چند نفر از دغدغه مندان محیط زیست آن را دنبال می کند. مرال به گوزن های قرمز که بزرگترین گونه گوزن در ایران هستند، گفته می شود. غفاری هدفش را از حضور در طبیعت، دین و علاقه به سرزمین اش اعلام می کند و می گوید: «من بومی منطقه چلاو هستم و در جنگل به جاهایی می روم که شاید هر کسی نرود. به هر حال نیاکان ما این سرزمین را حفظ کردند و چه بسا رسالت ما هم این باشد که آن را حفظ کنیم. ماغنی بودن گونه های جانوری و طبیعت را از

پوش و انجمن «نجات مرال ها» یکی از کارهایی است که غفاری به همراه برادرش پیر طاهر و چند نفر از دغدغه مندان محیط زیست آن را دنبال می کند. مرال به گوزن های قرمز که بزرگترین گونه گوزن در ایران هستند، گفته می شود. غفاری هدفش را از حضور در طبیعت، دین و علاقه به سرزمین اش اعلام می کند و می گوید: «من بومی منطقه چلاو هستم و در جنگل به جاهایی می روم که شاید هر کسی نرود. به هر حال نیاکان ما این سرزمین را حفظ کردند و چه بسا رسالت ما هم این باشد که آن را حفظ کنیم. ماغنی بودن گونه های جانوری و طبیعت را از

۴ روز از هفته را در جنگل زندگی می کنم

محمدباقر هفته ای چهار روز بدون خانواده در یک کلبه جنگلی زندگی می کند. این کلبه در دل جنگل است و برای رسیدن به آن از جاده و امکانات خبری نیست و عشق به حیات وحش و طبیعت است که هر هفته این همیار محیط زیست را به این کلبه می کشاند. او در باره این که در این چهار روز در جنگل به چه کاری مشغول است، می گوید: «همان طور که گفتیم انجمن «نجات مرال ها» را با چند نفر از فامیل و بچه محل ها تشکیل دادیم. آن ها کارهای خارج از میدان را انجام می دهند و من به نمایندگی از این انجمن در طول ۱۲ ماه سال در میدان هستم. روزهایی که به جنگل می روم و در کلبه اسکان دارم به گشت زنی مشغولم. برای دامدار ها جلسه توجیهی می گذارم تا اگر احیاناً شکارچی متخلف به منطقه آمد، او را به سازمان معرفی کنیم و اگر شکارچی مجوز دار هم بود با او صحبت می کنم تا شاید از شکار منصرف شود.»



هیچ وقت خرس ها و پلنگ ها به من حمله نکرده اند

خرس ها و توله های شان خطرناکترین موجودات جنگل هستند. غفاری می گوید که روبه رو شدن با خرس ها، ترسناکترین موقعیتی بوده است که دیگران برایش از جنگل تصویر کرده بودند اما او معتقد است بین شنیده ها و دیده هایش تفاوت زیادی وجود دارد. این پژوهشگر دلسوز محیط زیست در باره این تفاوت توضیح می دهد: «من همه این سال ها با خرس مواجه شدم. چندین بار در فصل بهار، با

خرس ها و توله های شان خطرناکترین موجودات جنگل هستند. غفاری می گوید که روبه رو شدن با خرس ها، ترسناکترین موقعیتی بوده است که دیگران برایش از جنگل تصویر کرده بودند اما او معتقد است بین شنیده ها و دیده هایش تفاوت زیادی وجود دارد. این پژوهشگر دلسوز محیط زیست در باره این تفاوت توضیح می دهد: «من همه این سال ها با خرس مواجه شدم. چندین بار در فصل بهار، با

دخترم حال گوزن ها را از من می پرسد

گوزن ها چطور است؟» همین که این جمله را می گوید برایش یک دنیاست. حالا دغدغه مندی من به خانواده ام منتقل شده است و آن ها از این که به عنوان یک نیروی محلی موثر واقع شدم، خوشحال هستند. امروز اگر قرار است طبیعت حفظ شود همه باید دست به دست هم دهیم. شاید نسلی باشیم که با طبیعت بد رفتار کردیم، شاید نسلی باشیم که حیات خودمان و دیگر موجودات را به مخاطره انداختیم. اگر قرار است ما هم در این کره خاکی در امنیت و سلامت باشیم باید حال جنگل، طبیعت و حیات وحش خوب باشد و این رسالت را فراگیر کنیم.»

خیلی خوشحالم که حیوانات از من هراس ندارند

با طبیعت همراه بودن، خاطرات تلخ و شیرینی را در ذهن می سازد. شیرین ترین اتفاق برای محمدباقر غفاری چلاوی در طول یک دهه پایش جنگلی این است که در بعضی تجربه هایش متوجه شده بعضی حیوانات با این که متوجه حضور او در کنارشان می شوند، از حضور این فرد در جنگل هراس ندارند. او خیلی بابت این مسئله خوشحال است که آن ها گاهی به دیالوگ های او توجه می کنند و راه شان را می گیرند و می روند. البته او خاطره ناراحت کننده ای هم دارد که تکرار آن در ذهن اش همیشه تلخ است. غفاری در باره روزی که این خاطره تلخ اتفاق افتاده، می گوید: «پاییز چند سال پیش بود. آن روزها من هر دوپاسه روی یک بار دو گوزن ماده را نزدیک کلبه جنگلی و سر

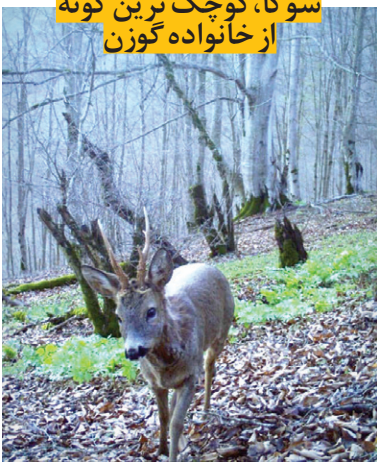
راهم می دیدم. دم غروب بود و هوا داشت تاریک می شد. چند نفری در حال گشت بودیم که صدای شلیک آمد. در بالادست جنگل راش مردی صورتش را استتار کرده بود، جلوتر که رفتم دیدیم دو نفر با اسلحه فرار می کنند. آن جا دید خوبی نداشتیم. بعد که به دنبال شان رفتم دیدیم آن ها، همان گوزنی را که هر روز می دیدم کشته و سرش را بریده اند. آن روز شاید سخت ترین روز زندگی ام بود چون به نوعی همه گوزن هایی که آن جا بودند بچه هایم شده بودند. به هر حال هر روز داشتیم از آن ها محافظت می کردیم و با آن ها انس گرفته بودیم. هنوز هم آن صحنه از ذهنم نرفته است و هر بار که به آن جامی رسم این صحنه تلخ برآیم تداعی می شود.»



گراز



شغال طلایی



شوکا، کوچک ترین گونه از خانواده گوزن



دارکوب سبز یک پرنده پرسرو صدا



روباه معمولی



پلنگ ایرانی